بمناسبت چهل وپنجمین سالیاد جاویدانه شدن رفیق مجید کلکانی

رفیق مجید ماندگار تاریخ شد!

چگونه انسان درتاریخ ماندگار میشود؟

ماندگارشدن درمتن مبارزات طبقاتی انقلابی درتاریخ ،بزرگترین افتخار است و آرزوی هر انسان دارای آگاهی ژرف و وجدان بیدار می باشد،اما کمترکسانی به این قلۀ بلند افتخار و آرزوی عالی انسانی ،نایل گردیده اند، زیرا که راه رسیدن به این مقام وجایگاه رفیع نهایت دشوار وهزینه بس سنگینی درکار دارد،که از سر ذوق زده گی و با احساسات به دور از دانش انقلابی طی طریق آن ،مقدور نیست .تنها عاشقان صادق وباورمند به مبارزه در راه رهایی توده های مظلوم ومحروم میتوانند با پذیرش خطر مرگ و از جان گذشتن در راه نجات ستمدیده گان، تا اوج های خیره کننده وناپیدا کرانۀ جاودانگی درتاریخ ،صعود کنند.

تاریخ به ما بیان ونشان میدهد ،که چگونه بعضی انسان ها درتاریخ ماندگار شده اند.برمبنای دید واقعبینانه وعلمی ،انسان هایی ماندگار تاریخ شده اند ،که دربرابر استبداد،تجاوز،استعمار و امپریالیسم راست قامت استادند و ازسرزمین ،شرافت وحیثیت مردم خود دفاع کردند و همچنان درمبارزه سیاسی ، اجتماعی و طبقاتی ،درکنار ستم دیدگان ومظلومان قرار گرفته و در راه حصول حقوق ورهایی بی نوایان تا پای جان رزمیدند .این است رمز وراز ماندگارشدن وجاودانه شدن در تاریخ.

رفیق مجید کلکانی رهبر وبنیادگذارسازمان آزادیبخش مردم افغانستان «ساما» و رهبرجبهه متحد ملی ،دارای چنین ویژه گی های برازنده انسانی بود.او که از شم سیاسی بلندی برخوردار بود ،از نوباوه گی درکنار زحمتکشان و رنجبران جامعه خود قرار گرفت وبرضد ستم واستبداد طبقاتی ،استثمار، ارتجاع ،استعمار،امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم مبارزه کرد و تا آخرین لحظۀ حیات خود، رسالت تاریخی اش را درجهت رهایی انسان از قید وبند های ظالمانه وغیر انسانی جامعه طبقاتی،فراموش نکرد.

وقتی که کودتای سیاه، رویزیونیستی وبدفرجام هفتم ثور1357شمسی توسط باند وطن فروش «خلق وپرچم» به دستور و حمایت مستقیم سوسیال امپریالیسم روس ،درکشور ما صورت گرفت وهستی مادی ومعنوی جامعه ما را آماج فنا ونابودی قرار دادند ،درچنین وضعیتی تکاپوی رفیق مجید که از

سابقهٔ مبارزاتی درخشانی برخوردار بود آهنگ شتاب بی مانندی گرفت ،تا رسالت تاریخی اش را که مردم افغانستان از او انتظار داشتند، در چنین شرایطی انجام دهد.رفیق مجید باتلاش شبا روزی توانست در مدت کوتاهی بهترین های جنبش دموکراتیک نوین را برای مبارزهٔ فعال که پاسخگوی نیاز بود ،بدور یک محور جمع کرد و سرانجام درسرطان سال 1358شمسی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان«ساما» را ، پی ریزی نمود.همچنان در کنار این سازمان ،جبهه متحد ملی را تأسیس کرد،تا آنعده از هموطنان ما که پذیرش ایدیولوژی سازمان برای شان در بادی امر مشکل می نمود،برمحورجبهه متحد ملی ،که یکی از سه سلاح انقلاب بشمار میرود ونیازمبرم مبارزه انقلابی است جمع شوند ونقش وطن پرستانهٔ خود را در آزاد ساختن کشور از چنگال استعمار سوسیال امپریالیسم روس ،اداء نمایند. رفیق مجید با درک عمیقی که از مبارزه وانقلاب داشت، اولویت های مبارزه و جنگ انقلابی را تشخیص ودرمرحله نخست سازمان آزادیبخش مردم افغانستان را،ایجاد وبعد آن جبهه متحد ملی وهمزمان نطفه های ارتش تودهٔ را که از قبل بستر آنرا تاحدی مساعد کرده بود بذرافشانی کرد ،که بنابر شرایط فراهم آمده ،بسرعت رشد کرد .وبدین گونه رفیق مجید با خلاقیت ویژه خود ،گام های نخست اساسات جنگ خلق را مطابق تیوری های علمی و تجربه انقلابی ، درکشور ما گذاشت. رفیق مجید مانند ماهی خود را دردریای توفانی وبیکران توده ها شناور کرده بود وباورمند بود، که پیروزی انقلاب ونجات کشور از چنگال استعمارگران و ارتجاع فقط کار توده ها است ،که به رهبری سازمان پیش آهنگ انقلابی ومترقی معتقد به اندیشه های پیشروعصر صورت می گیرد وبس.او بر اساس این باورمندی اش تلاش می کرد،تا جنگ بر علیه روس اشغالگر و ایادی بومی آن ،بطور علمی سازماندهی گردد ،تا تلفات انسانی به پایین ترین سطح آن کاهش یابد.زیرا که مجید،جنگ خلق افغانستان دربرابر سوسیال امپریالیسم متجاوز روس وسایر امپریالیست ها را جنگ دراز مدت وطولانی پیش بینی میکرد.مجید ،در راستای همین تلاش ها وسازماندهی بود، که درهشتم ماه حوت سال 1358شمسی درشهر کابل بدام دشمن افتاد .دشمن مکار ونامردم ،دربرابر او از هرنوع مکر، حیله و شکنجه های وحشیانه کار گرفت،امانتوانست عقاب اوج های آزاده گی را ،رام و طعمه خوار دستان کثیف خود کند.وقتی همه تلاش های وطن فروشان وبا دارشان ،در شکستن وتسلیم ساختن او نتیجه نداد،سر انجام بتاریخ هژدهم جوزای 1359شمسی او را جاویدانه کردند.نوکران روس فکر کرده بودند که مجید مانند خود آن ها یک جسم ساده فزیکی است ،که با تیربارانش پایان می یابد.این ددان بی خرد وبی عرضه غافل از آن بودند که تاریخ، مبارزانی را که در صف محرومان می ایستند و پرچم آزادی ورهایی را به بهای جان شان به اهتزاز در می آورند ،درقلب خود جا می دهد وبرای همیشه نگهمیدارد. رفیق مجید کلکانی از جملهٔ شخصیت های شاخص ماندگار

تاریخ کشورماست، که نام و اندیشهٔ انقلابی و رهاییبخش او بر تارک تاریخ مبارزات آزادیخواهانه خلق ما ،مانند فانوس بزرگ برمسیر مبارزان آزادیخواه ،جاویدان می درخشد .او،با خون خود خطی کشیده است بسوی شفق ونظاره گر آن است تا پوینده گان راهش، مسیر این خط را به سر انجامش برسانند ،به آنجایی برسانند که دیگر انسان از هر نوع جبر رها گردد .

رفیق مجید چهره درخشان وبرجستهٔ مبارزه برعلیه تجاوزگران روسی وایادی بومی شان و آغازگر جنگ مسلحانه برعلیه اشغالگران و مزدوران شان بر مبنای تفکر علمی وانقلابی با گرایش مبارزه طبقاتی، درکشورما شناخته شده است. نوع ،وشیوه مبارزه مسلحانه ای که مجید آغازگر وپیشگام آن گردید ، متفاوت از دیگران است وقبل از آن درتمام تاریخ مبارزات آزادیخواهانه سرزمین ما ، با این ماهیت وویژه گی صورت نگرفته بود ومردم ما چنین مبارزهٔ را تجربه نکرده بودند.در افغانستان برای اولین بار جنگ آزادیبخش خلق ،از آدرس سازمان آزادیبخش مردم افغانستان ساما ،که خود را پیش آهنگ طبقه کارگر افغانستان اعلام کرد ،با یک برنامه مدون علمی و انقلابی آغازگردید. واین دریک کشور بشدت عقب مانده با فرهنگ مسلط فیودالی ،کارساده وکوچکی نیست وفقط مجید ها بودند که چنین جسارت را بخرج دادند ورو در رو ،فقط با اتکا به توده های رنج دیده میهن، پا درمیدان نبرد با استبداد و استعمار، پیش گذاشتند و با نام ونشان مشخص سازمان آزادیبخش مردم افغانستان، بدون پسوند و پیشوند اسلامی که در آن روزگار وشرایط هیچ نهادی بدون این نوع پسوند ها در معرکه ظاهر شده نمی توانست، ساما در بسا نقاط افغانستان مانند : هرات ،فراه،نیمروز،ولایات مناطق مرکزی افغانستان ،لغمان ،کابل ،پروان ،کاپیسا،بغلان ،قندوز،بلخ ،فاریاب ... جبهه های نظامی خود را ایجاد وبا استعمار متجاوزروسی و نیروهای ارتجاعی اخوانی مزدور غرب ،نیروهای انقلابی ساما پاکبازانه رزمیدند وتصفیه حساب کردند. سازمان آزادیبخش مردم افغانستان که یک سازمان نوپا ،با خط مشی مستقل ملی وانقلابی وارد عرصه انقلاب گردیده بود وهرنوع وابستگی بغیر را شرم وننگ تاریخ تلقی میکرد وفقط به اتکا ی نیروی لایزال مردم می رزمید ،برنامه واستراتیژی وشگرد های مبارزاتی اش مورد شناخت کشور های امپریالیستی غربی وکشور های ارتجاعی منطقه قرارگرفت.امپریالیسم ونوکران او دانستند که این سازمان در جنگ وبعد از ختم جنگ ،برای وطن ومردمش چه برنامهٔ دارد.بر این اساس بود که استعمارگران جهانی دستورنابودی سامای انقلابی را صادر کردند وسازمان ساما ،زیر آتش متقاطع دو دشمن (سوسیال امپریالیسم روس وایادی بومی آن از یک طرف ،و نیروهای مرتجع احزاب اخوانی

نوکر غرب وارتجاع منطقه ازسوی دیگر)،قرار گرفت.این در حالی بود که مجید وسایر رهبران طراز اول ساما،بدام دشمن افتاده ، واکثر قربانی راه نجات کشور شان شده بودند . ازسال 1358 تا سال 1380شمسی سه نسل از رهبران ساما،در مذبح ارتجاع واستعمارسربریده شدند واین برای یک سازمان انقلابی نو پا بسیار سنگین وتوان فرسا بود ،که پیامد های ناگوار را ببار آورد. مجموع این عوامل ،بویژه از دست دادن رهبری سازمان باعث گردید که نیروهای مسلح این سازمان ،به تدریج ازسکانداری ومتن جنگ آزادیبخش به حاشیه رانده شدند.بعد از آن ، امپریالیسم غرب مطابق برنامه های استعماری که داشت، نیروهای ارتجاعی اخوانی را تجهیز،تمویل و بر رهبری جنگ مقاومت مردم ما به راحتی مسلط ساخت .با مسلط شدن اخوان بر رهبری جنگ مقاومت ملی، دیگر جنگ آزادیبخش کشور ما در برابر سوسیال امپریالیسم روس، از مضمون اصلی وجوهر آزادی خواهانه آن تهی و درخدمت برنامه های استعماری امپریالیسم غرب قرار گرفت ،که پیامد های شوم وویرانگر آنرا تا امروز همه می بینیم.بهرصورت با آنکه جبهات رزمی ساما ،در سر تاسر افغانستان بدستور کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی توسط احزاب اخوانی و سوسیال امپریالیسم روس (البته که بیشتر توسط احزاب اخوانی)سرکوب گردید.اما مردم شریف ،وطن پرست ومبارز ما درکران تا کران کشور، رزمندگان سامایی و درپیشاپیش آنها مجید کلکانی را می شناسند و از پاکی ،صداقت و جسارت اعضای سازمان او داستان ها دارند وهرگز پای مردی ها وحماسه آفرینی های، آنها را فراموش نکرده اند.هرچند که دراین پیشتازی های جسورانه و انقلابی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان ، هزینه بس سنگین وجبران ناپذیری پرداخت ،اما تجربه بسیار ارزشمندی را به بهای خون بهترین های جامعه ما ثبت تاریخ مبارزات انقلابی وطبقاتی کشور کرد،تا در آینده در امتداد آن نقطه های سرخ شده از قطرات خون شیفتگان آزادی که درحقیقت مسیر انقلاب رهایبخش با آن نشانه گذاری گردیده است، گام های بمراتب دقیقتر وسنجیده تری بر داشته شود.زیرا تازمانی که جامعه طبقاتی وجود دارد،مبارزه طبقاتی نیز تداوم میبابد وشکست ها در جریان مبارزه بمعنی پایان مبارزه نیست.ما باورمندیم که این ققنوس بار بار از زیرخاکسترستم طبقاتی و اجتماعی سربلند می نماید وسرانجام تا قله های فتح وپیروزی پرواز می کند.روزگاری مجید ودیگران سازمان ایجاد کردند وپیشگام مبارزه طبقاتی ومبارزات ضد استعماری گردیدند،در آینده کسان دیگری خلای موجود را پر می کنند و درفش مبارزه را بدوش می کشند،این واقعیت عینی وقابل درک جامعه طبقاتی ومبارزه طبقاتی است ،که تاریخ بیان میدارد.تاریخ مبارزه طبقاتی با کشته شدن اسپارتاکوس ختم نشد،با مجید ها ...درکشورما ودرکشور های مختلف جهان نیز پایان نمی پذیرد.زمانی این مبارزه پایان می یابد ،که جامعه طبقاتی نابود گردد.

این نکته بسیارمهم ولازم به یاد دهانیست که بعد از آن که مجید وسایر رهبران ساما،به جاودانگان تاریخ پیوستند ،ساما دچار انحرافات گونا گون گردید واین انحرافات ،نه تنها که مانع تکامل وپیشرفت این سازمان گردید،بلکه باعث فاصله گرفتن بسیاری از اعضای سازمان نیز شده است.به همین علت است که امروز آدرس های مختلف از ساما ،وجود دارد و این آدرس ها در حال افزوده شدن است وهر آدرسی خودش را برحق ،اصولی وپیرو مجید می شمارد.این پراکندگی مطمینا" که نهایت زیان بار است و دوام این حالت شمع حیات یک سازمان انقلابی را که بدستان توانمند مجید ها در تاریک ترین برهۀ تاریخ کشور ما افروخته شده بود ،خاموش خواهند کرد.

با همه ضربات وانحرافات که بعد از سال 1358 تاسال 1380به ساما، وارد آمد بقایای ساما ،برمحور یک مرکزیت هرچند ناتوان، به راه ومبارزه خود ،ادامه میداد وتلاش هایی برای بهبود کار هرچند ضعیف جریان داشت. اما انحراف رهبری سازمان بعد از تجاوز امپریالیسم امریکا درسال 2001م به افغانستان ،با ارایه تیوری های نادرست درمورد امپریالیسم اشغالگر،بدترین انحراف وتسلیم طلبی درتیوری وسیاست بود،که ایدیولوژی سازمان را نیز زیر سوال برد و ضربه مهلک وقطعی نسبت به هر دشمن دیگر ،به سازمان نیمه جان ساما ،وارد کرد.بعد این بسیاری از اعضا وکادر های این سازمان در داخل و خارج از کشور ،خط مشی مطروحه رهبری سازمان را ،انحرافی وتسلیم طلبانه خوانده، نپذیرفتند وبرعلیه آن به مبارزه فردی و یا جمعی پرداختند.به همین علت است که امروز آدرس های مختلفی از ساما وجود دارد وهریک دیگری را قبول ندارد. وهر فرد خودش رهبر است وآدرس خود را دارد وخود را پیرو خط فکری مجید میگوید.اما کارکرد و افکار بسیاری این ها درتقابل با خط فکری و ایدیولوژیک مجید قرار دارد.مجید به مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه ماوتسه دون معتقد بود و به این اساس سازمان ساما را تاسیس وبرعلیه ارتجاع ،استبداد و امپریالیسم مبارزه میکرد و در همین سنگربه جاویدانه گان پیوست .بغیر از خوانش مجید در این سازمان ، خوانش های دیگر از مارکسیسم (منظورما موضعگیری های بعد از سال 2001م ساما است)،من در آوردی ،رویزیونیستی ،اپورتونیستی وقرار گرفتن درخدمت ارتجاع و امپریالیسم است، که با مارکسیسم منافات دارد . امروز کسانی هستند که زیر نام ساما ،مشی لیبرالی را درپیش گرفته اند وبا ابزار نستالوژی گرایی پوپولیستی اغواگرانه از نام وجایگاه شخصیت رفیق مجید، اشخاص نا آگاه را زیر نام «مارکسیسم نوین»،می فریبند و به سراب می کشانند.این رویزیونیست های باب آواکیانی با تقلید از اواکیان رهبر به اصطلاح حزب کمونیست انقلابی امریکا ،که در انتخابات قبلی ریاست جمهوری امریکا در 2021به جوبایدن رای داد تا ترامپ بقدرت

نرسد،مقلدانش در افغانستان نیزبه اشرف غنی ،کمپاین کردند و دیگران را نیز تشویق میکردند،تا به او رای دهند ،که طالبان حاکم نشوند! آیا بیشتر از این «تز» احمقانهٔ سراغ دارید؟ کسی که از لحاظ سیاسی احمق نباشد و نداند که اشرف غنی ،گروه طالبان،گروه داعش ،گلبدین ،کرزی،سیاف،دوستم،مسعود،ربانی ،محقق...همه نیروهای ارتجاعی ومزدوران امپریالیسم اند وامپریالیسم مطابق نیاز هایش مهره های خود را هر زمان که برنامه ومنافع اش ایجاب کند ، تبدیل می کند.سازمان رهایی ،نیز قبل از ساما، تجاوز امریکا به افغانستان و اشغال کشور را نادیده گرفته در انتخابات سال 2004با شعار «ما باتأیید حامد کرزی مشت رد بسینهٔ بنیاد گرایی کوبیدیم» از کاندیداتوری حامد کرزی حمایت خود را اعلام کردند. حالا طوری که در عمل دیده میشود ،اعتقاد وباور به مارکسیسم راستین، درسازمان های مدعی ایدیولوژی پرولتری،درکشور ما فروکش کرده است واکثر درحال ترک آن به بهانه های مختلف اند وبا ارایه تز های رویزیونیستی درخدمت امپریالیسم قرار گرفته اند.هرچند که بظاهر کسی این را نمی پذیرد، اما واقعیت ها بی پروا سخن میگویند.افت اسف بار جنبش چپ افغانستان درحدی است ،که امروز کسانی که سنگ مارکسیست بودن به سینه می کوبند،تضاد عمده و تضاد اساسی خلق را فراموش کرده یا کنار گذاشته،تضاد های فرعی را عمده جلوه داده درکنار مرتجع ترین اشخاص قوم خود ،برعلیه قوم دیگرمبارزه می کند وحاضر است بخاطر خورد کردن قوم دیگر دست بدست «شیطان» هم بدهد .حالا «مبارزه قومی» در افغانستان به یک «مبارزه» جدی وخطرناک تبدیل شده است و در رأس این مبارزهٔ رزیلانه روشفنکر نما های اقوام مختلف وشماری «چپی ها» نیز قرار دارند،که خود را به این یا آن سازمان با گذشته انقلابی منسوب میدهند. این ها هم اکنون بخاطر وابستگی قومی وزبانی شان از رژیمی حمایت می کنند که انسانیت را ،آشکارا انکار می کند و فراتر از ماورای ارتجاعی عمل کرده ، مردم را به قهقرا می کشاند. اگر ما به افکار و راه ورسم مجید کلکانی وسایر انقلابیون جان باخته کشور ما ایمان وباور داشته باشیم ،آیا به چنین مسایل پست وضد منافع مردم خود می پردازیم؟ راه مجید و مجید ها روشن ومشخص است .او سازمان ساما را با هزاره ها،اوزبیک ها،پشتون ها،تاجیک ها...ایجاد کرد و به مبارزه طبقاتی باورمند بود.مجید باورمند بود که هرگاه مردم افغانستان در این مبارزه پیروز گردند،تضاد های فرعی را که اکثر منشای طبقاتی دارند بساده گی حل می نمایند.بر مبنای تفکر مجید یعنی بر مبنای اساسات صحیح وعلمی مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسماگر به قضایای کنونی جامعه ما نگاه کنیم تضاد عمده خلق ما همان تضادی است که سایر تضاد ها تحت تأثیر آن قرار گرفته اند. چرا روشنفکر انقلابی سنگر رزمش را با بی شرمی تمام ترک کرده ،اذهان جامعه را ،از تضاد عمده به تضاد های فرعی منحرف ومصروف کرده وبا این کار بدشمن مردم

خدمت می کند؟آیا این کودن ها دیده نمی توانند که چه کسانی دروازه های آموزش علم را بستند و نو نهالان جامعه را به جهل خانه ها جهت شست وشوی مغزی سوق میدهند؟ همین طور در عرصه های مختلف به جهل پروری پرداخته اند ومردم را از ابتدایی ترین حقوق انسانی شان محروم کرده اند.زن را بصفت انسان نمی پذیرند .آیا نمی دانند که طالبان مزدوران کرایه شدۀ امپریالیسم و ارتجاع منطقه اند؟ تمام نیروهای ارتجاعی از هر قوم وقماشی که باشد،دشمنان خلق اند و برعلیه شان باید با قاطعیت انقلابی مبارزه کرد،بدون این ،با چسپانیدن خودتان با نام رفیق مجید ، یاد او را نه آلایید! مبارزه یک امر داوطلبانه است،بنا" هرکس حق دارد که مبارزه بکند یا نکند.کسانی که می خواهند بشیوه های «مد روز» و «مارکسیسم مجاز» مبارزه می کنند،لطفن آدرس نو ،به خود ایجاد وبنام ونشان خود شان مبارزه نمایند، باعث بدنامی کارنامه های سامای مجید و مجیدیان ، وسامایی های جانباختۀ راه آزادی نشوند!

یاد وخاطرات رفیق مجید و همه جانباختگان راه رهایی زحمتکشان جاودان گرامی باد!

مرگ ونفرین بر ارتجاع وامپریالیسم که جهان را برای ساکنان روی زمین به جهنم مبدل کرده اند !

یا مرگ یا آزادی!

انقلاب زنده باد!

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست عمدتامائوئیست)

۱۸ جوزای ۱۴۰۴ خورشیدی